



فکری تازه راجع به اصلاح دستگاه قضائی با تغییر وضع فعلی

واقتباس قسمتی از روش قضائی انگلوساکسون

اینجانب باروش قضائی فعلی که تقلید واقتباس از روش قدیم فرانسه است بجهاتی که بعداً ذکر میشود مخالف است واتخاذ روشی جدید را که ترکیب وتلفیقی است از روش قضائی انگلوساکسون بارویه های متناسب با خصوصیات محیط فعلی ایران مؤثر و ضروری میدانم ، یعنی رعایت اصل «احقاق حق» مقدم بر اصل اجراء مواد تشریفاتی قانون . اینک عقیده ونظریه خود را که حاصل تقریباً سی و هفت سال خدمت مداوم قضائی ونزدیک ده سال وکالت دادگستری ومطالعه در روش های قضائی بعضی از کشورهای متمدنی غربی است ، در ماهنامه تحقیقی گوهر ، بی هیچ ادعائی وبا کمال فروتنی ، می نویسد .
قبلاً باید دانست که آن عامل یا عواملی که موجب ناسخ نمودی از دادگستری است چیست ؟

بدون تردید ، میتوان گفت آن عامل یا عوامل هر چه باشد ، موضوع «فساد» بمعنای خاص خود ، یعنی «رشوه خواری» نیست . زیرا این نوع فساد امروز در دادگستری تقریباً وجود ندارد واگر در میان قریب سه هزار قاضی ، خدای نخواستہ ، چندتن هم در معرض این

آقای حسن معاصر دادستان سابق دادرسی ارتش . وکیل بایه یک دادگستری از قضات

دانشمند .

اتهام باشند خود ، خواهی نخواهی ، راه خود را میگیرند و ازدادگستری میروند . مضافاً
 باینکه کار آنان هم نمیتواند در دادگاهها تأثیری داشته باشد . معهذا مردم ناراضی هستند
 و این عدم رضایت يك قسمت موجه و قابل تصدیق و يك قسمت غیر موجه و ناشی از بسی
 اطلاعی از جریان کار دادگستری و کثرت دعاوی و تظلمات گوناگون حقوقی و کیفری و
 بالاخره قسمتی نیز نتیجه اخلاق و تربیت عمومی اکثریت مردم و عدم رعایت حقوق حق
 غیر است . اما ، آن قسمت عدم رضایت مردم که موجه و قابل تصدیق است بیش از هر چیز
 بدین علت باشد که جریان کار دادگستری ، با وضع فعلی ، غالباً بیش از حد لزوم طولانی و
 خسته کننده و زیان آور میباشد . مخصوصاً زمانی که اشخاص شاکی و ناراضی می بینند یا
 می شنوند که در بعضی موارد ، پس از مدتها معطلی و سرگردانی و گذرانیدن مراحل مختلف
 دادرسی تا صدور حکم نهائی فرجامی ، تازه مواجه میشوند با حکمی که بعقیده آنان حق
 مسلمشان ، در اثر بعضی اشتباهها و طرفه کاریها «تروک» که در طی جریان طولانی رسیدگی ،
 با استفاده از بعضی پیچ و خمهای مواد قانون ، از طرف بعضی از وکلای دادگستری بکار
 رفته ، پایمال شده است . در نظر بگیریید وضع و حال شخصی را که پس از مدتها معطلی و
 آمد و رفت در دادگاههای کاخ دادگستری امیدوار است که اگر در دادگاه شهرستان یا دادگاه
 استان حکمی برخلاف حق درباره او صادر شده است لامحاله ، در مرحله رسیدگی فرجامی ،
 آقایان قضات دیوانعالی کشور به اعتراضات حق او و وکیلش توجه لازم میکنند و حکمی
 را که موجب تضییع حق او شده است نقض خواهند نمود . ولی حال پس از قریب يك سال
 یا شاید بیشتر معطلی و انتظار نتیجتاً يك رای یا دادنامه ای به دست او داده میشود که پس از
 ذکر مقدمات و شرح جریان دادخواهی و تشریفات قانونی که انجام شده و خلاصه اعتراضات
 فرجامخواه و پاسخ فرجامخوانده ، در خاتمه آن در اصل موضوع يك جمله مختصر دستوری
 و خشک ، تقریباً بدین عبارت ، اضافه شده است که «چون اعتراضات فرجامخواه در ماهیت
 دعوی میباشد که در مرحله رسیدگی فرجامی مورد امعان نظر واقع نمیشود و از جهت آئین
 دادرسی هم اشکال مؤثری بر حکم فرجامخواسته بنظر نمیرسد لذا باتفاق آراء (یا به اکثریت)
 ابرام میشود» عمین و بس !! موضوع بسیار جالب این است که در عین اینکه حق چنین
 شخصی باتوضیحاتیکه داده شد پایمال شده است تمام آن قضاتیکه در این قضیه دخالت
 داشته اند ، از مرحله بدوی و استینافی تا فرجامی ، عموماً اشخاصی درست و نیکنام هم
 بوده اند . آنوقت همین اشخاص شریف و امین حکمی را که برخلاف حق و عدالت صادر شده
 است بعنوان اینکه «اعتراضات فرجامخواه در ماهیت دعوی میباشد که در مرحله فرجامی
 قابل امعان نظر نیست و از جهت آئین دادرسی هم اشکال مؤثری بر حکم فرجامخواسته بنظر
 نمیرسد» تأیید مینمایند . پس باین تفصیل ، چرانتیجه این محاکمه ، پس از آنهمه معطلی

وسرگردانی ، برخلاف حق و عدالت صادر شده است ؟ اصل مطلب همین است . به توضیحات ذیل توجه نمائید :

۱ - در این بیست و پنج شش ساله اخیر بیشتر وزیران دادگستری در زمان تصدی خود هر یک بمنظور انجام بعضی اصلاحات در دادگستری بامشورت و جلب نظر مشاوران منتخب خود لویجی تنظیم و به تصویب رسانیده و مواد تازه دیگری بر مواد قوانین سابق افزوده اند و کثرت قوانین مختلف و مواد معارض طوری است که قضات و وکلاء دادگستری هر دو را گیج میکند و میتوان گفت این ضرب المثل فرانسوی که میگوید : « وقتی تعداد مواد ، کتاب قانون را قطور کرد پیدا کردن ماده عدالت کاری بس مشکل بلکه محال خواهد شد » تقریباً در مورد قوانین دادگستری ما صدق میکند . پس برای اصلاح واقعی دادگستری با اضافه نمودن بر مواد قوانین فعلی ، بدون در نظر گرفتن یک فکر صحیح و ابتکار جدید ، نتیجه ای حاصل نخواهد شد کما اینکه تا کنون هم با این همه قوانین اصلاحی و تکمیلی نتیجه ای اساسی و مؤثر گرفته نشده است .

۲ - تردید نیست که بعضی تذکارات و پیشنهادهای مفید نه بعضی از آقایان قضات و دیگر حقوقدانان و نویسندگان در مقالات خود راجع به چاره جلوگیری از دخالت های عوامی در قوه مجریه در قوه قضائیه یا خشونت های بیمورد بعضی از قضات دادگستری و مسامحه بعضی دیگر از آنان و اقدام جدی برای حذف و نسخ بعضی از مواد معارض و همچنین تأمین وسایل معیشت آبرومندان قضات و ایمن بودن آنان از نقل و انتقالات که بدون در نظر گرفتن وضع زندگی ایشان و روی نظریاتی خاص صورت میگیرد ، همه این نکات در جای خود لازم است و بایستی مورد توجه واقع گردد . اما بعقیده اینجانب اگر همه این نکات هم رعایت گردد باز مادامیکه روش و طرز کار و جریان دادرسی و قضاوت در دادگستری ما با اقتضاء زمان تغییر اساسی ننماید مسلماً نتیجه مطلوب حاصل نخواهد شد . ممکن است سؤال شود مقصود از تغییر اساسی روش دادرسی فعلی چیست ؟ و اما پاسخ به این سؤال مهم :

باید دانست که قسمت بیشتر قوانین مربوط به تشکیلات و آئین دادرسی ما اعم از حقوقی و کیفری اقتباس از قوانین سابق فرانسه است که در خود فرانسه هم بعضی از آنها تغییر و اصلاح شده است و در عمل معلوم شد که آن اصول اگر در کشور فرانسه و در آن محیط ، با توجه به تربیت عمومی ، متناسب و مفید میباشد متأسفانه در ایران ، با در نظر گرفتن اخلاق و تربیت عمومی ، نه تنها مفید واقع نشده بلکه در بسیاری موارد از آن اصول سوء استفاده هم بعمل آمده و نتیجتاً موجب تضییع حق مردم گشته است . پس چرا بعضی اصول اساسی دادرسی و قطع و فصل دعاوی را که در بعضی از کشورهای متمدنی غربی دیگر معمول و جاری و بسیار مفید بوده و در ایران هم بخوبی قابل اقتباس میباشد اقتباس نکنیم ؟

البته در هر کشوری، در نظر ما، بعضی آداب و عادات خوب وجود دارد و هم بعضی عادات و آداب غیر مطلوب و مسلم است که هر عاقلی آداب و عادات و رویه‌های خوب و مفید را در هر جا و متعلق به هر کشور و هر ملتی باشد کسب و اقتباس نموده و از تقلید آداب و عادات و رویه‌های بد و غیر مطلوب (بنظر ما) احتراز مینماید. میتوان گفت همانطور که معروف و مشهور شده است روش قضائی انگلستان با خصوصیاتش که دارد بهتر از روش قضائی سایر کشورهای متمدنی غربی میباشد مع هذا نمیتوان روش قضائی و اصول رایج آنجا را که متناسب با محیط و خصوصیات اخلاقی انگلستان میباشد برای قطع و فصل دعاوی تمام و کمال در کشور دیگر مثلاً در ایران جاری و معمول نمود بلکه باید فقط آن قسمتهائی را که بخوبی قابل اقتباس میباشد کسب و اجرا نمود. بطوریکه مطلعان امور حقوقی میدانند در دستگاه قضائی انگلستان غیر از قوانین مصوب پارلمان بنام «جودی کیچراکتز»^۱ قوانین دیگری هم بنام «کامن^۲ لاد» یا قوانین عرف و عادات معمول میباشد.

ولی یکی از اساسی‌ترین و مهم‌ترین یعنی بهترین اصول قضاوت و قطع و فصل دعاوی در دادگاههای انگلستان این است که قضات خود را مکلف میدانند که در مورد دعوائی که نزد آنان مطرح شده تا آنجا که ممکن و عملی است حقیقت‌مطلب و واقعیت‌امرا را تشخیص دهند و سپس قضاوت نمایند بدون اینکه لازم باشد در تشریفات رسیدگی خود را مقید به رعایت فلان ماده از قانون... یا تبصره و ماده الحاقی قانون... دانسته و رأی خود را منطبق با آن بنمایند یا اینکه بیش از هر چیز توجه و مراقبت نمایند (مثل رویه فعلی دادگاههای ما) که در جریان رسیدگی به یک دعوی حکمی که میدهند (اعم از اینکه مبنی بر عدالت باشد یا نباشد) فقط قانون آئین دادرسی و تشریفات کار رعایت شده باشد تا بعنوان تخلف انتظامی گرفتار دادرسی انتظامی قضات و تعقیب در دادگاه انتظامی قضات نشوند. در آنجا که من دیدم ابداً از این سخنان نیست و آنچه مقدم بر هر چیز و بیش از هر چیز مورد توجه قاضی دادگاه میباشد این است که در دعوی مطروح حکمی که پس از رسیدگی میدهد مقرون به انصاف و عدالت باشد و پس.

من در مدت اقامت خود در لندن* با مطالعات قبلی که تا حدی راجع به سیستم قضائی انگلستان داشتم برای مشاهده تشریفات رسیدگی به دعاوی حقوقی و کیفری کرار آبه دادگاههای آنجا میرفتم

1- Judicature Acts 2- Common Laws

که در همان مدت توانستم اسناد تاریخی مربوطه به انقلاب مشروطیت را بشرحیکه اخیراً در روزنامه اطلاعات منتشر شده و جداگانه هم چاپ شده است تهیه نمایم

آنچه که قبل از هر چیز در آنجا جلب توجه میکند این است که در این شهر بزرگ که قریب ده میلیون جمعیت دارد کاخ دادگاههای حقوقی یا کیفری بسیار خلوت است و علت آن گذشته از اخلاق و تربیت عمومی که نمیخواهند بحق دیگری تعدی نمایند ترس از دستگاه دادگستری است که واقعاً حافظ حقوق مردم میباشد. موضوعی مهم که در مشاهده طرز کار آنان در مقام قضاوت و اتعاً شگفتانگیز بنظر میرسد این است که يك قاضی مسیحی طرز قضاوتش مطابق آئین اسلام و اوامر مندرج در کتاب آسمانی ماقرآن میباشد یعنی مقصد قاضی دادگاه که بموضوعی رسیدگی میکند اجراء همان فرمان مقدس اسلامی « فاحکم بین الناس بالحق » (میان مردم بحق حکومت کن) است یا آیه شریفه « و اذا حکمتم بین الناس ان تحکموا بالعدل » (چون بین مردم حاکم بشوید از روی عدالت داوری کنید - سوره نساء آیه ۵۷) و آیه دیگر « ولا یجر منکم شنان قوم علی الاعدلوا اعدلوا هو اقرب لتقوی » (البته شما را نباید دشمنی گروهی بر آن وادارد که از راه و رسم عدالت خارج شوید. عدالت کنید زیرا عدالت از هر عملی به پرعیزگاری نزدیکتر است - سوره مائده آیه ۷) مفاد همه این اوامر مذهب اسلام راجع به اجراء عدالت را این قاضی مسیحی با تشریفات نسبتاً ساده و معقول انجام میدهد تا حقیقت امر را مکشوف ساخته و نتیجتاً حکم مقتضی بر مبنای آن صادر کند. من سعی میکنم در این مقاله تفاوتهای مهم و اساسی را که بین طرز رسیدگی فعلی دادگاههای ایران با دادگاههای انگلستان وجود دارد باختصار توضیح دهم.

۳ - در اینجا بطور نمونه جریان يك طرح دعوی و محاکمه و روش قاضی و صدور حکم دادگاه را که در ایام اقامت در لندن مشاهده کرده ام به اختصار میآورم که در عین حال خالی از تفریح هم نیست.

پرداخت بهای زیبایی در دادگاه

بیوه ای بنام اسکولی سی ساله علیه شخصی بنام روبرت سنگال مهمانخانه دار در دادگاه لندن بعنوان مطالبه غرامت و خسارت، دعوائی طرح مینماید. بدین توضیح که «خواننده دعوی» یعنی روبرت سنگال شوهر او را برای انجام کار تعمیرات مهمانخانه خود استخدام نموده است. در موقع کار کردن در این جابراثر سقوط تخته چوبی از بالا به سر او زخمی مهلك برداشته و بهلاکت رسیده و در نتیجه بیوه نامبرده با دو کودک کوچک شوهر نان آور خود را از دست داده است. البته دادخواست بوسیله وکیل او تهیه و مقدمات کار و میزان غرامت مورد مطالبه تعیین و پرونده در دادگاه بدوی (بابا اصطلاح مادادگاه شهرستان) که در آنجا «های کورت»^۱ میگویند در روز وساعت معین با حضور اصحاب دعوی مطرح

میشود پس از تحقیقات و پرسش‌های روبروسازی بصورت معمول در دادگاههای انگلستان و اعلام پایان دادرسی قاضی دادگاه در مقام انشاء و صدور حکم بمنشی دادگاه چنین میگوید «باتائید اینکه دعوی مطروحه اصولاً با توجه به قانون (تورت)^۱ یا مسئولیت مدنی موجه میباشد و با اظهار تأسف از اینکه این زن که در اثر ازدواج زندگانی خوب و قرین شادمانی داشته و حال شوهر خود را از دست داده است ... با توجه باینکه خانم بیوه اسکولی بطوریکه سیمایش نشان میدهد بانوئی است با نشاط و جذاب و باید امکان این مطلب را هم در نظر گرفت و بحساب آورد پس از اینکه مدتی گذشت و جراحات وارده در اثر این واقعه غم انگیز التیام یافت که غالباً هم التیام مییابد زمانی خواهد رسید که شخصی دیگر با نظری محبت آمیز دست خود را بمنظور ازدواج بطرف او دراز میکند و او هم تغییر عقیده داده و برای تجدید زناشوئی خود را حاضر خواهد کرد و البته امکان چنین امری را از لحاظ رعایت انصاف و عدالت نسبت به «خواننده دعوی» یعنی صاحب مهمانخانه و تخفیفی در پرداخت غرامت و خسارت که بر او تحمیل میشود نیز باید در نظر گرفت . بنابراین مقرر میدارد که مبلغ ۵۱۶۲ پوند از طرف خواننده دعوی (آقای روبرت سنگال) به مشارالیها پرداخته شود و از این مبلغ بایستی ۱۶۲ پوند بلافاصله پرداخته شود تا بانوی نامبرده بتواند قروض خود را که میگوید دارد بپردازد .»

ملاحظه مینمائید که این قاضی انگلیسی بجای بکار بردن عبارات خشک و بی روح دستوری باچه روحیه آزاد منشی آنچه در مورد این دعوی مطروحه بفکرش میرسد اظهار میکند و منشی دادگاه مینویسد و حتی از بکار بردن بعضی لطایف ادبی و عبارات طنز آمیز هم در حکم خود مضایقه روانمیدارد و در عین حال در حکمی که بفتح خواهان میدهد رعایت انصاف و عدالت را درباره خواننده دعوی هم ضروری میشمارد و در متن حکم نیز همین نکته را رعایت میکند .

تذکار يك نکته لازم - ممکن است بعضی از آقایان قضات یا وکلاء دادگستری بجهاتی باروش قضائی انگلو ساکسون موافق نباشند و همین روش معمول و جاری فعلی را بهتر بدانند و بنا بر این در مقام تخطئه نظر این جانب بگویند :

اولا - نگارنده چطور عبارات و جملاتی را که سالها پیش يك قاضی انگلیسی در مورد دعوائی در حکم خود برده است اکنون بخاطر دارد و باز بنویسد مگر آن قاضی دادگاه یا منشی او در آنروز محاکمه حکم صادره شده را به او نشان داده اند ؟

ثانیا - در توضیح و توجیه رعایت انصاف و تخفیف در صدور این حکم گفته شده است

قاضی دادگاه بادی‌دن آن بانو «خواهان دعوی» و در نظر گرفتن جوانی و زیبایی و احتمال زیاد وی در شوهر اختیار کردن ثانوی، برای اینکه نسبت به «خواننده دعوی» هم رعایت عدالت شده باشد در میزان محکومیت وی تخفیفی قائل شده است. پس اگر قاضی دادگاه بانوی خواهان را ندیده بود حکم خود را به نحو دیگر صادر می‌کرد یعنی عدالت آنطور که باید رعایت نمیشد؟ در جواب این دو اعتراض باید عرض کنم:

اولاً در روز محاکمه کسی این حکم دادگاه را بمن نشان نداده است تا من آنرا خوانده و عبارت و جملات حکم را یادداشت کرده باشم من در مدت اقامت در لندن علاوه بر اینکه، شرح توضیحات قبلی، کراراً برای مشاهده جریان دادرسیهای حقوقی و کیفری معمول در انگلستان بدادگاهها میرفتم و در جای مخصوص تماشاچیان می‌نشستم به علاوه همه روزه در میمانخانه‌ای که در لندن منزل داشتم یکی از روزنامه‌های یومیه مهم لندن و بیشتر روزنامه «دیلی اکسپرس» را برای کسب اخبار می‌خواندم شرح محاکمه بالا را در ستون مخصوص اخبار محاکمه خواندم - زیر عنوان «بهای زیبایی» و «قشنگی و ملاحظت این زن دیروز در دادگاه بضررش تمام شد» عکسی از خانم جین اسکولی نیز در آن ستون درج شده بود من آن قسمت را بریده و نگاه داشتم ثانیاً - شاید اگر قاضی دادگاه بانوی خواهان دعوی را نمیدید حکم خود را طوری دیگر صادر میکرد باید بگویم موضوع دیدن قاضی «خواهان دعوی» حقوقی را در دادگاه (برخلاف ترتیب معمول در دادگاههای ما) امری است الزامی و شاید واگر ندارد خود این موضوع یعنی لزوم حضور طرفین اصلی دعاوی حقوقی و شهودشان باتفاق و کلای خود در دادگاه که منتهای برای کشف حقیقت است یکی از اصول لازم الرعایه دادرسی در دادگاههای حقوقی انگلستان در مرحله بدوی بشمار میرود، یعنی در فصل آئین جریان اقامه دعوی و هم تفسیرهای علماء حقوق انگلستان راجع به لزوم حضور خود اشخاص طرفین دعوی و شهودشان در دادگاه (فقط در مرحله بدوی نه پژوهشی) بدین عبارت قید شده است: «این نکته حائز کمال اهمیت است که قاضی دادگاه اظهارات طرفین اصلی دعوی و شهودشان را (که باتفاق و کلاء خود باید در دادگاه حاضر گردند) شخصاً استماع نموده و هم وضع رفتار و حرکات آنها را در جایگاه مخصوص مشاهده نماید زیرا مدرک و دلیلی که در برگ دادخواست مدعی با عبارات خیلی قانع کننده‌ای تشریح و خوانده و شنیده میشود ممکن است برای یک قاضی که خودش اظهارات اولیه را بگوش خود شنیده و هم در موقع بازپرسیهای رو بروی که در دادگاه از خود طرفین دعوی و شهود قضیه میشود بعضی توقفها در جواب دادن و درنگهای مهم آنان را قبل از دادن جواب به پرسشی که میشود و تمایل آنها را به طفره رفتن از دادن جواب صریح و ناراحت بودنشان را ملاحظه مینماید ممکن است این اوضاع و احوال در نظر قاضی دادگاه بسا آنچه در برگ

دادخواست نوشته شده است خیلی متفاوت جلوه کند زیرا غیر ممکن است که این اوضاع واحوالی را که ذکر شد بتوان آنطور که واقع شده روی کاغذ آورده و منعکس نمود.»

ملاحظه مینمائید که در آنجا مقصد قاضی دادگاه کشف حقیقت و اجرای عدالت است نه صرف اجراء مواد تشریفاتی قانون و اکتفا نمودن بصورت ظاهر رسیدگی ولو اینکه نتیجه آن مغایر باحقیقت و حقانیت باشد .

۴ - چون برتری و رجحان روش قضائی انگلوساکسون بر روش های معمول در سایر کشورهای متمدنی غربی معروف و مشهور بوده و میتوان گفت عملا هم به ثبوت رسیده است احتیاج به تفصیلی بیشتر در اینجا نیست . پس چرا اکنون روش قضائی کشور فرانسه را که اگر بامحیط و اخلاق عمومی و شرایط دیگر در فرانسه متناسب باشد ولی در ایران بیش از شصت و شش سال آزمایش شده و نتیجه خوب نداده است ترک نکنیم و روشی دیگر را که هم ابتکار خودمان باشد و هم اقتباس از قوانین و اصول خوب و مفید سایر کشورهای متمدنی اتخاذ نمائیم ؟

بنابراین همان بهتر که ما هم قسمتی از روش قضائی انگلستان را که بمنظور دادرسی و احقاق حق مفید و مؤثر تشخیص داده شده و در ایران عملی است اقتباس نمائیم البته این تغییر وضع کار آسانی نبوده و موضوعی نیست که با سرعت انجام پذیر باشد و در بدو امر مشکلاتی را هم در بر دارد که مسلماً قابل حل است .

عمده و اساس کار در اینجا همان مقدم داشتن اصل عدالت بر انجام تشریفات و برای اصلاح دستگاه دادگستری غیر از این راهی نیست .

آنچه در صفحات بالا راجع بدطرز قضاوت در دادگاههای انگلستان از نظر خوانندگان گرامی گذشت فقط به امور حقوقی مربوط بود و نسبت به طرز رسیدگی به دعاوی کیفری از زمان تشکیل پرونده مقدماتی توسط اداره پلیس تا زمان طرح موضوع در دادگاههای صلاحیتدار بعداً مطالبی را در مقاله ای دیگر بنظر خوانندگان میرساند .

بهترین روش زیستن

با همه خلق جهان، گرچه از آن
بیشتر گمراه ، و کمتر برهند .
آنچنان زی، که بمیری برهی .
نه چنان، چون بمیری برهند .
حکیم سنائی غزنوی - قرن هشتم